

همدلر اهالر محله سجاد به برکت محرم



مشاهده شده بود، نکته دیگری است که حسین به آن اشاره می کند و می گوید: به این نتیجه رسیدیم که حضور نوجوانان مسجدی و برگزاری این دست برنامه ها باعث می شود محیط برای افرادی که بوستان را برای رفتارهای نامتعارفشان امن دیده اند، ناامن شود.

در میانه صحبت های ما با مسئول پاتوق محله مسجد امام سجاد^(ع)، نوجوان هایی که صفر تا صد پذیرایی در غرفه های این ایستگاه صلواتی را برعهده دارند، به سراغ حسین می آیند و راهنمایی هایی را که لازم دارند، دریافت می کنند. هر روز که به اینجا می آیند، هم به عزاداران حسینی خدمت ارائه می کنند و هم خدمت دریافت می کنند. حدود ساعت ۱۷ روی همین فرش ها که اکنون به محل صحبت ما با حسین تبدیل شده است، دورهم جمع می شوند. اسم جمعشان را هم گذاشته اند حلقه محرم. یک کارشناس به جمعشان می آید تا به حرف هایشان گوش کند و به سؤال هایشان جواب بدهد. کمی آن طرف تر، یکی از نوجوان ها دارد کتابی با مضمون محرم را جلو دوربین واحد رسانه معرفی می کند تا کلیپ آن تهیه و منتشر شود. بقیه کتاب هایی که در ایستگاه کتاب وجود دارد نیز مطالعه شده و قسمت های جالب و مهم آن نشانه گذاری شده است تا مردمی که دقایق کوتاهی همان این ایستگاه صلواتی هستند، چند نکته ای دستشان بیاید.

فرزانه شهامت

تکیه

پای ارتباط مسجدی ها با برخی اهالی محله لنگ می زد. هر کدام راه خودشان را می رفتند. انگار که بینشان دیواری نامرئی و بی دلیل، بالا رفته بود. آسیب که شناسایی شد، نوبت برنامه ریزی برای برچیدن این دیوار رسید. چه پنهانی بهتر از محرم و تمسک به محبت معجزه وار امام حسین^(ع). این طور شد که ایستگاه صلواتی مسجد امام سجاد^(ع) در محرم امسال به جای اینکه در حاشیه بولوار سجاد برپا شود، کمی دورتر و در بوستان امین، میزبان محبان سیدالشهدا^(ع) شد.

اگر عصرها حوالی ساعت ۱۷ گذرتان به خیابان سجاد ۲۱ و این بوستان افتاده باشد، با یک مهمانی متفاوت روبه رو خواهید شد. میزبان شما نوجوانانی از اهالی همین محله هستند که به عشق حضرت، پیراهن های سیاه پوشیده اند و در غرفه هایی منتظر حضورتان هستند که در ورودی آن، چنین نوشته شده است: «اینجا حسین^(ع) قلب نوجوانان را فتح کرده است»، حسین صادقی، مسئول پاتوق محله مسجد امام سجاد^(ع)، جزئیات ماجرا را برایمان می گوید. محل گفت و گوی ما گوشه ای موقت فرش شده از این ایستگاه صلواتی است که با تونق محرم، نام دارد. بیست و چهار ساله است و علوم تربیتی را در مقطع کارشناسی می خواند. ده دوازده سال پیش که فعالیتش را در این مسجد شروع کرد، شبیه یکی از همین نوجوان هایی بود که در غرفه های پذیرایی چای، هندوانه، شربت، غذا و کتاب فعالیت می کنند. ظاهر ساده برنامه های این پاتوق، پشتوانه کارشناسی قوی دارد. حسین از دیگر دلایل اجرای این برنامه در بوستان محله سجاد این طور می گوید: سال های قبل که ایستگاه صلواتی مسجد را در حاشیه خیابان برپا می کردیم، مخاطبانمان گذرا بودند و کارمان هر چقدر هم که از لحاظ فرهنگی قوی بود، پیوست اجتماعی نداشت. یعنی بستر ارتباطی ادامه دار با مسجد را فراهم نمی کرد. دلیل دیگری که آمدیم اینجا این بود که وارد فضای گفت و گو با اهالی محله شویم و قدم های نخست برای آشنایی با کسانی را برداریم که ارتباط ما با آن ها در مسجد شکل نگرفته است. کاهش آسیب های اجتماعی که در بوستان محله سجاد

عزاداری در سایه امنیت



محمد نیز با اینکه متولد وساکن مشهد است، اصلتش را همچنان حفظ کرده و با لباس محلی کشورش در مراسم شرکت کرده است: «ما افغانستانی ها هر دو ماه محرم و صفر را عزاداریم. نه فقط امشب که هر شب به اینجا می آیم، چون از دیدن عزاداری اقوام مختلف، شکوه و عظمت شیعیان را احساس می کنم. به لطف جمهوری اسلامی ایران وزیر سایه امام رضا^(ع) و رهبر معظم انقلاب به راحتی بدون هیچ مشکلی داریم عزاداری می کنیم. آرزو دارم در کشور خودم هم به زودی امنیت برقرار شود تا بتوانیم آنجا هم عزاداری کنیم.»

صحن خاطره ها



یکی دیگر از عزاداران، مادری است که گوشه ای نشسته است و در حالی که دو فرزندش روی زانوی او خوابیده اند، با حزن خاصی سینه می زند. سر صحبت را که با می کنم، متوجه می شوم زائری از دیار اصفهان و به نوعی محقق آداب عزاداری در شهرهای مختلف ایران است که هر سال همراه خانواده اش در محرم به عشق آشنایی با فرهنگ و آداب متفاوت سوگواری، به یکی از شهرهای کشور سفر می کند. امسال هم مقصدشان یزد بوده، اما مشهد قسمتشان شده است و با دیدن گم شده شان در حسینیة حرم، هر شب در این مراسم حضور می یابند. شش سال تحصیل او در آلمان و دیدن عزاداری غریبانه مسلمانان از ملیت های مختلف در آنجا، پنهانۀ علاقه اش به آشنایی با سبک های متنوع عزاداری شده است: «برای اینکه همسایه های مسجد هامبورگ در اعتراض به صدای عزاداری مان پلیس را خبر نکنند، ناچار در زیر زمین مسجد مراسم می گرفتیم. یک جمع پنجاه نفره از شیعیان کشورهای مختلف مثل پاکستان، افغانستان، عراق، ایران و... می آمدند و به نوبت مرثیه خوانی می کردند که هر چند غریبانه، جالب و جذاب بود و حالا در صحن قدس خاطره آن روزها برایم تکرار می شود.»

حب الحسین یجمعا

چارپایه خوانی جلیل احمد عزیزی در نرانی قاسم بن الحسن^(ع) در حالی که عزاداران دوش حلقه زده اند و به شکلی منظم لبیک یا حسین^(ع) می گویند، آخرین بخش مداحی است که هر هکذری را ولو برای دقایقی میخکوب می کند و تجلی زیبایی می شود برای این مدعا که «حب الحسین یجمعا»، در پایان محفل هم پرچم عزاداری متبرک آستان قدس رضوی به نمایندگان هیئت های افغانستانی اهدا می شود.

حسینیة حرم امام رضا(ع) هر شب میزبان یکی از اقوام و ملل است

ملت امام حسین (ع) در صحن قدس



عکاس: محسن بشندۀ افروز

فرزندانش در کربلا می خواند و پس از او، شفیق... یوسفی در حالی که لباس سنتی افغانستان را به تن دارد، پشت تریبون می رود. مردم با مرثیه سرایی اش به گویش تاریخی ذری، سینه می زند: «بر خاک سیه تنت فتاده... مظلوم حسین جان! جاری شده نامت به لب میر سپهدار! غلغله به خون پیکر سقای علمدار... آی اهل حرم میر و علمدار نیامد...»

امام حسینی ها همه یک ملت اند



میانشان سراغ محدثه موسوی، یکی از عزاداران جوان افغان، می روم که متولد و بزرگ شده ایران است، اما پس از ازدواج با همسرش ساکن نجف اشرف شده و حالا زائر راه دور امام هشتم^(ع) است. او که از طریق اقوامش در مشهد از مراسم صحن قدس اطلاع پیدا کرده و از حضور در آن ذوق زده است، می گوید: «هر جا بشنوم مراسمی برای امام حسین^(ع) است، حتما می روم. مهم نیست مراسم از طرف چه ملیتی و کجا باشد، به ویژه وقتی در حرم امام رضا^(ع) باشد. اینکه به سایر ملیت ها اجازه و امکانات داده اند تا در حرم ولی نعمتشان عزاداری کنند، اتفاق خوبی است. این دست برنامه ها در واقع مشتبی به دهان دشمنان و قدرت نمایی شیعیان است. زیرا نشان می دهد برای شیعیان، قومیت و ملیت مهم نیست؛ وقتی امام حسینی باشند، همه یک ملت اند.»

این طور که می گوید، یک سال است برای زندگی به مشهدالرضا^(ع) آمده و سال گذشته هم در این مراسم حضور داشته اند: «حس خیلی خوبی از این برنامه دارم، احساس می کنم در کشور خودمان هستم. امشب برای زیارت آمده بودیم که پسر دوازده ساله ام گفت می خواهد در سینه زنی شرکت کند. ما هم پرسیدیم در حرم جایی برای سینه زنی هست یا نه که اینجا را معرفی کردند». در حالی که یکی از مداحان افغانستانی به سبک منقبت خوانی مشغول قرائت اشعاری سوزناک است و حاضران در حال وهوای خودشان هستند، مریم هجده ساله سرش را به زیر انداخته است و آرام اشک می ریزد. وقتی که آرام می گیرد، به سراغش می روم. او می گوید خیلی اتفاقی با این برنامه آشنا شده و سال گذشته اولین بار هم زمان با تشییع یک شهید در مراسم حسینیة حضور یافته است: «بعد از آن، هر شب در برنامه های حسینیة شرکت می کنم، چون گرما و حال وهوای خوبی دارد. هر شب با آداب و رسوم عزاداری یک شهر یا ملت آشنا می شوم و لذت می برم.»

مسیرمان درست است



جمعیت همان طور که نشسته اند، صف می بندند و به اصطلاح کوچۀ بازمی کنند که نشان می دهد وقت مرثیه خوانی است. روضه شب ششم محرم را کربلایی ولی... یوسفی در وصف امام حسین^(ع) و دلاوری

نوجوانان و جوانان حضور پررنگ تری نسبت به دیگران دارند. سه دختر دانشجوی اهل کاشمر از دانشگاه فرهنگیان میهمان این مراسم هستند و با شور و انرژی در صف اول مشغول صحبت با یکدیگرند که به سراغشان می روم. همین طور که چای نبات متبرک را از سینی گرد خادم سبزپوش برمی دارند، از مراسم شب گذشته حسینیة حرم می گویند: «دیشب اولین بار بود که در مراسم صحن قدس حضور داشتیم و با هیئت از اهالی استان گلستان عزاداری کردیم که برایمان خیلی جالب بود، تا به حال ندیده بودیم. اعضای هیئت موقع سینه زنی، دست به کمر یکدیگر، سه حلقه کفن پوش، سبزپوش و سیاه پوش را تشکیل دادند که هم زمان با سینه زنی، پا می کوبیدند و با لهجه خودشان نوحه می خواندند. احساس می کردیم به یک شهر یا کشور دیگر سفر کرده ایم. امشب هم آمده ایم تا برای اولین بار شاهد عزاداری افغانستانی ها باشیم.»

احساس می کنیم در کشور خودمان هستیم



کم کم مراسم با قرائت قرآن شروع می شود و بعد هم جمعیت در محکومیت اهانت های اخیر به ساخت قرآن کریم، در حالی که قرآن ها را بالا گرفته اند، فریاد «یا حسین^(ع)» سر می دهند و بیانیۀ ای در این زمینه قرائت می شود. در این بین، بانویی میان سال که پوشش محلی اش از زیر چادر پیداست، توجهم را جلب می کند.

گزارش روز



روزنامه نگار زهرا شریفی

اینجا معمولا خیلی شلوغ و پرازحام نیست، به همین دلیل وقتی جمعیت زیاد می شود، از اتفاقی حکایت می کند. وارد که می شوم، برخلاف همیشه، صحن کاملاً فرش شده است و دورتادور آبخوری و چای خانه وسط صحن، علم های سیاه پوش قرار گرفته است که بیشتر در عزاداری های سنتی محلی دیده می شود. آن طرف آبخوری، جایگاه بزرگی تعبیه شده که رویش نوشته شده

است «محفل عزاداری شیعیان افغانستان» و دو طرفش تصاویر سرداران شهید مشهد، سردار سلیمانی و ابومهندس و کتیبه های محرم خودنمایی می کند. بیشتر جمعیت حاضر، لباس محلی به تن دارند و کوچک و بزرگ در تکاپوی شروع مراسم هستند؛ از مادری که به سرپس پنج شش ساله اش سر بند یا حسین^(ع) می بندد تا پدری که در لباس روحانیت، هم برای خانواده اش آب می آورد و هم حواش به رتق و فتق امور است.

صحن قدس شریف حرم مطهر رضوی دوسالی است که در ایام محرم و صفر، به نام «حسینیة حرم» شناخته می شود و هیئت های مذهبی از شهرهای دور و نزدیک یا کشورهای همسایه، هر شب در آن به میزبانی هیئت بیت الحسین^(ع) مشهد، عزاداری سنتی شهر و دیار خود را برپا می کنند. پیش از این، هیئت هایی از یزد، بوشهر، خراسان شمالی، خراسان جنوبی و گلستان در حسینیة حرم سوگواری کرده اند و در ششمین شب، نوبت به هیئت های عزاداری افغانستانی رسیده است. تا شروع مراسم با چند تن از شرکت کنندگان، همراه و علت حضور و حال وهوایشان را جواب می شوم.

همه شیعه ایم و عزادار آقا

بانویی سال خورده که از تبریز زائر حرم مطهر رضوی شده است، همان طور که از زیر عینکش دنبال زیارت عاشورا در کتابچه ادعیه می گردد، با ته لهجه آذری برایم توضیح می دهد که چون شنیده است صحن قدس مراسم های باشکوه و معنوی ای دارد، خودش را به اینجا رسانده است: «در دهه اول محرم که مشهد هستیم، از بعد از ظهر تا آخر شب، هیئت به هیئت می روم. وقتی از برنامه صحن قدس شنیدم، اول فکر می کردم بناس آذری ها اینجا عزاداری کنند. ولی الان دیدم روی بتر برنامه نوشته شده است عزاداری هیئت های مذهبی افغانستان. به هر حال فرقی ندارد، همه شیعه ایم و عزادار آقا.»

آشنایی معلم های آینده با فرهنگ های مختلف

